

بازخوانی واکنش امام خمینی به لایحه کاپیتولاسیون من قلم در فشار است/باید بیرق سیاه بالای سر بازارها بزنند/عزت ما پایکوب شد/ عظمت ایران از بین رفت/ عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند

تحریم داخلی مجموعه های دفاعی - امنیتی کشور از وزارت دفاع و اطلاعات گرفته تا سپاه و ارتش توسط سیستم مالی و بانکی دولت یازده بواسطه پذیرفتن FATF به زعم بسیاری از تحلیل گران از معاهده کاپیتولاسیون نیز ننگین تر است بنا براین هیچ چیز رساتر از واکنش امام خمینی به تصویب کاپیتولاسیون نمی تواند عمق فاجعه را نشان دهد.

تحریم داخلی مجموعه های دفاعی - امنیتی کشور از وزارت دفاع و اطلاعات گرفته تا سپاه و ارتش توسط سیستم مالی و بانکی دولت یازده بواسطه پذیرفتن FATF به زعم بسیاری از تحلیل گران از معاهده کاپیتولاسیون نیز ننگین تر است بنا براین هیچ چیز رساتر از واکنش امام خمینی به تصویب کاپیتولاسیون نمی تواند عمق فاجعه را نشان دهد.

افشا و انتشار متن نامه های چند بانک کشور خطاب به برخی قرارگاه و موسسات مرتبط با نهادهای نظامی و امنیتی کشور مبنی بر عدم ارائه خدمات بانکی به آنها به دلیل قرار گرفتن در لیست تحریم های غرب و پذیرش FATF توسط دولت یازدهم، تلنگری جدی به جامعه استقلال طلب و عزت مدار ایران وارد کرد. البته ننگین بودن چنین اقدامی تا بدان اندازه است که هنوز هم بسیاری در شوک اولیه به سر می برند و باور نمی کنند دولت مردان کشور با عظمتی چون ایران اسلامی تن به چنین معاهده ننگینی داده و چنان نامه های ذلیلانه ای را نگاشته باشند.

اما حقیقت این است که چنین نامه هایی واقعیت دارد. مسئولان دولت یازدهم که در ماجرای برجام، به بهانه رفع تحریم ها بخش عمده ای از دستاوردهای هسته ای کشور را به صورت یک طرفه منهدم ساختند و البته ساختار تحریم ها از جانب غرب همچنان سر جای خود باقی مانده است، اکنون با پذیرش چراغ خاموش FATF اقدامات عملی برای تحریم داخلی موسسات و نهادهای دفاعی و امنیتی کشور را برای چراغ سبز نشان دادن به آمریکا آغاز کرده اند و این نامه های بانکی مقدمه این تحریم داخلی است.

شاید در بادی امر این موضوع طنزآلود به نظر برسد اما حقیقت دارد که برای اجرایی شدن پلن AFTF به زودی نهادهای اصلی دفاعی و امنیتی کشور از جمله وزارت دفاع، وزارت اطلاعات، سپاه، ارتش و حتی صدا و سیما مشمول تحریم بانک های داخل کشور قرار خواهند گرفت!

چنین ماجرابی حتی در عصر قراردادهای استعماری و دوران سیاه قاجار و پهلوی نیز سابقه ندارد که خود دولت ایران و سیستم مالی و بانکی وابسته به آن، در اجرای فرامین دولت های بیگانه، نهادهای داخلی را تحت تحریم قرار دهند و از یک منظر شاید تنها قرارداد کاپیتولاسیون با این شیوه پذیرش FATF قابل مقایسه باشد.

به همین دلیل شاید بهترین واکنشی که می توان به اقدام ننگین تحریم داخلی نطبق بر FATF می توان در نظر گرفت، بازخوانی سخنرانی تاریخی امام خمینی(ره) در سال 1343 در واکنش به تصویب لایحه کاپیتولاسیون است.

چهارم آبان 1343 حضرت امام خمینی(ره) در واکنش به تصویب لایحه کاپیتولاسیون از سوی دولت و مجلس رژیم شاه، در مدرسه فیضیه قم سخنان دردمندانه و آتشینی درباره لگدمال شدن عزت و عظمت ایران بواسطه تصویب این لایحه به زبان آوردند که حقیقتاً تا به امروز نیز خواندن و شنیدن آن عبارات لرزه بر تن انسان می افکند. آنچه در پی می آید بخ شهایی از این سخنرانی تاریخی است که برای امروز ما نیز بی مناسبت نیست:

بسم الله الرحمن الرحيم
انا لله و انا اليه راجعون

عزت ما پایکوب شد، عظمت ایران از بین رفت

من تأثرات قلبی خودم را نمی توانم اظهار کنم. قلب من در فشار است. این چند روزی که مسائل اخیر ایران را شنیده ام خوابم کم شده است [گریه حصار]. ناراحت هستم [گریه حصار]. قلم در فشار است [گریه حصار]. با تأثرات قلبی روزشماری می کنم که چه وقت مرگ پیش بیاید [گریه شدید حصار]. ایران دیگر عید ندارد [گریه حصار]. عید ایران را عزا کرده اند [گریه حصار]؛ عزا کردند و چراغانی کردند [گریه حصار]؛ عزا کردند و دسته جمعی رقصیدند [گریه حصار]. ما را فروختند، استقلال ما را فروختند، و باز هم

چراغانی کردند؛ پایکوبی کردند. اگر من به جای اینها بودم این چراغانیها را منع می‌کردم؛ می‌گفتم بیرق سیاه بالای سر بازارها بزنند [گریه حضار]؛ بالای سر خانه‌ها بزنند؛ چادر سیاه بالا ببرند. عزت ما پایکوب شد؛ عظمت ایران از بین رفت؛ عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند.

کاپیتولاسیون یعنی چه؟

قانونی در مجلس بردند؛ در آن قانوناً اولاً ما را ملحق کردند به پیمان وین؛ و ثانیاً الحاق کردند به پیمان وین [تا] مستشاران نظامی، تمام مستشاران نظامی آمریکا با خانواده‌هایشان، با کارمندان فنی‌شان، با کارمندان اداری‌شان، با خدمه‌شان، با هر کس که بستگی به آنها دارد، اینها از هر جنابیتی که در ایران بکنند مصون هستند! اگر یک خادم امریکایی، اگر یک آشپز امریکایی، مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پا منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد! دادگاههای ایران حق ندارند محاکمه کنند، بازپرسی کنند، باید برود امریکا! آنجا در امریکا اربابها تکلیف را معین کنند! دولت سابق این تصویب را کرده بود و به کسی نگفت. دولت حاضر این تصویبنامه را در چند روز پیش از این برد به مجلس و در چند وقت پیش از این به سنا بردند و با یک قیام و قعود مطلب را تمام کردند، و باز نفسشان درنیامد.

در این چند روز، این تصویبنامه را بردند به مجلس شورا و در آنجا صحبت‌هایی کردند، مخالفت‌هایی شد، بعضی از وکلای آنجا هم مخالفت‌هایی کردند، صحبت‌هایی کردند لکن مطلب را گذراندند؛ با کمال وقاحت گذراندند! دولت با کمال وقاحت از این امر ننگین طرفداری کرد!

ملت ایران از از سگ آمریکایی پست تر کردند برای 200 میلیون دلار وام

ملت ایران را از سگهای آمریکا پست تر کردند. اگر چنانچه کسی سگ امریکایی را زیر بگیرد، بازخواست از او می‌کنند؛ لکن، اگر شاه ایران یک سگ امریکایی را زیر بگیرد بازخواست می‌کنند؛ و اگر چنانچه یک آشپز امریکایی شاه ایران را زیر بگیرد، مرجع ایران را زیر بگیرد، بزرگتر مقام را زیر بگیرد، هیچ کس حق تعرض ندارد! چرا؟ برای اینکه می‌خواستند وام بگیرند از امریکا! امریکا گفت این کار باید بشود- لا بد این جور است- بعد از سه- چهار روز، یک وام دویست میلیون، دویست میلیون دلاری، تقاضا کردند. دولت تصویب کرد دویست میلیون دلار در عرض پنج سال به دولت ایران بدهند و در عرض ده سال سیصد میلیون بگیرند! می‌فهمید یعنی چه؟ دویست میلیون دلار، هر دلاری هشت تومان در عرض پنج سال وام بدهند به دولت ایران برای نظام، و در عرض ده سال سیصد میلیون- آن طور که حساب کردند- سیصد میلیون دلار از ایران بگیرد؛ یعنی صد میلیون دلار، یعنی هشتصد میلیون تومان از ایران در ازای این وام نفع بگیرند! مع ذلک، ایران خودش را فروخت برای این دلارها! ایران استقلال ما را فروخت؛ ما را جزء دولت مستعمره حساب کرد؛ ملت مسلم ایران را پست تر از وحشیها در دنیا معرفی کرد، در ازای وام دویست میلیون که سیصد میلیون دلار پس بدهند! ما با این مصیبت چه بکنیم؟ روحانیون با این مطالب چه بکنند؟ به کجا پناه ببرند؟ عرض خودشان را به چه مملکتی برسانند؟

این قرضه دلار چه بر سر ما می‌آورد؟

آقا، من اعلام خطر می‌کنم! ای ارتش ایران، من اعلام خطر می‌کنم! ای سیاسیون ایران، من اعلام خطر می‌کنم! ای بازرگانان ایران، من اعلام خطر می‌کنم! ای علمای ایران، ای مراجع اسلام، من اعلام خطر می‌کنم! ای فضلا، ای طلاب، ای مراجع، ای آقایان، ای نجف، ای قم، ای مشهد، ای تهران، ای شیراز، من اعلام خطر می‌کنم!

خطردار است. معلوم می‌شود زیر پرده‌ها چیزهایی است و ما نمی‌دانیم. در مجلس گفتند نگذارید پرده‌ها بالا برود! معلوم می‌شود برای ما خوابها دیده‌اند! از این بدتر چه خواهند کرد؟ نمی‌دانم، از اسارت بدتر چه؟ از ذلت بدتر چه؟ چه می‌خواهند با ما بکنند؟ چه خیالی دارند اینها؟ این قرضه دلار چه به سر این ملت می‌آورد؟ این ملت فقیر [پس از] ده سال هشتصد میلیون تومان نفع پول به امریکا بدهد؟! در عین حال ما را بفروشید برای یک همچو کاری!؟

اگر مملکت در اشغال امریکاست بگویید

نظامیهای آمریکا و مستشارهای نظامی امریکایی به شما چه نفعی دارند؟ آقا! اگر این مملکت اشغال امریکاست، پس چرا این قدر عربده می‌کشید؟! پس چرا این قدر دم از «ترقی» می‌زنید؟! اگر این مستشارها نوکر شما هستند، پس چرا از اربابها بالاترشان می‌کنید؟! پس چرا از شاه بالاترشان می‌کنید؟! اگر نوکرند، مثل سایر نوکرها با آنها عمل کنید. اگر کارمند شما هستند، مثل سایر ملل که با کارمندانشان عمل می‌کنند، شما هم عمل کنید. اگر مملکت ما اشغال امریکایی است پس بگویید! پس ما را بردارید بریزید بیرون از این مملکت! چه می‌خواهند با ما بکنند؟ این دولت چه می‌گوید به ما؟ این مجلس چه کرد با ما؟ این

مجلس غیر قانونی، این مجلس محرم این مجلسی که به فتوا و به حکم مراجع تقلید تحریم شده است، این مجلسی که یک وکیلش از ملت نیست، این مجلسی که- به ادعا- هی می‌گویند ما! ما! هی ما از «انقلاب سفید» آمدیم! آقا کو این «انقلاب سفید»؟! پدر مردم را درآوردند! آقا من مطلعم؛ خدا می‌داند که من رنج می‌برم؛ من مطلعم از این دهات؛ من مطلعم از این شهرستانهای دورافتاده؛ از این قم بدبخت [گریه حضار]. من مطلعم از گرسنگی خوردن مردم؛ از وضع زراعت مردم.

دلارها را شما می‌خواهید استفاده کنید نوکری اش را ما بکنیم؟ آقا فکری بکنید برای این مملکت؛ فکری بکنید برای این ملت. هی قرض روی قرض بیاورید؟! هی نوکر بشوید! البته دلار نوکری هم هست! دلارها را شما می‌خواهید استفاده کنید، نوکریش را ما بکنیم! اگر ما زیر اتموبیل رفتیم، کسی حق ندارد به امریکایی‌ها بگوید بالای چشمت ابرو! لکن شماها استفاده‌اش را بکنید؛ مطلب این طور است. نباید گفت اینها را؟ آن آقایانی که می‌گویند که باید خفه شد، اینجا هم باید خفه شد؟ اینجا هم خفه بشویم؟ ما را بفروشد و خفه بشویم؟! قرآن ما را بفروشد و خفه بشویم؟ و الله، گناهکار است کسی که داد نزند؛ و الله، مرتکب کبیره است کسی که فریاد نکند {گریه شدید حضار}.

رئیس جمهور آمریکا منفورترین بشر است پیش ملت ایران
ای سران اسلام، به داد اسلام برسید [گریه حضار]. ای علمای نجف، به داد اسلام برسید [گریه حضار]. ای علمای قم، به داد اسلام برسید؛ رفت اسلام [گریه شدید حضار]. ای ملل اسلام، ای سران ملل اسلام، ای رؤسای جمهور ملل اسلامی، ای سلاطین ملل اسلامی، ای شاه ایران، به داد خودت برس. به داد همه ما برسید. ما زیر چکمه امریکا برویم، چون ملت ضعیفی هستیم؟! چون دلار نداریم؟! امریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از امریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر. همه از هم بدتر؛ همه از هم پلیدتر. اما امروز سر و کار ما با این خبیثهاست! با امریکاست. رئیس جمهور امریکا بداند- بداند این معنا را- که منفورترین افراد دنیاست پیش ملت ما. امروز منفورترین افراد بشر است پیش ملت ما. یک همچو ظلمی به دولت اسلامی کرده است، امروز قرآن با او خصم است؛ ملت ایران با او خصم است. دولت امریکا بداند این مطلب را. ضایعش کردند در ایران؛ خراب کردند او را در ایران....